

نامه‌های رسیده

«بسمه تعالی»

حیدر بابا زکوی تو راهم کج اوفتاد
آوخ شتاب عمر به وصلت امان نداد
من بی خبر ز طالع آن گلرخان شاد
غافل شدم ز پیچ و خم راه زندگی
ز آوارگی و مرگ و جدایی و راندگی

سلام خدمت تمامی اساتید عزیز، کارکنان محترم و دوستان بزرگووارم در مراکز شهیدبهبشتی و فرزندگان ارومیه.

امیدوارم که در پناه خداوند متعال همگی سالم و سرافراز باشید. نمی‌خواهم زیاد رسمی صحبت کنم. فقط این را بگویم که همان قدر که برای خانه اولم و عزیزانم دلم تنگ شده، دلم برای خانه دومم و عزیزانی که در این خانه دارم هم تنگ شده است. من از طریق اینترنت با تعدادی از دوستانم که در دانشگاه‌های تهران هستند در ارتباطم (همین دورنویس را هم از دفتر خودم در دانشگاه، از طریق اینترنت برایتان ارسال می‌کنم!) با این وجود، هر بار که خبری از دوستانم در مورد مدرسه می‌شنوم. هزاران بار آرزو می‌کنم که کاش آن جا بودم. این جا ما مارتین و کالین و اریک و ... داریم ولی حمید و هادی و افشار و ... نداریم. این جا کتابخانه ۱ طبقه‌ای داریم ولی برای هیچ کدام از کتاب‌هایش مدت‌ها

آرزو نکشیده و از این کتاب فروشی به آن کتاب فروشی ندویده‌ایم. این جا اتاق و کامپیوتر و ... داریم، ولی هیچ کدام آن گوشه دفتر سرپرستی که بهترین کارهای عمرمان را آن جا کرده‌ایم نیستند. این جا چندین نشریه دانشجویی داریم، ولی در هیچ کدام نمی‌توانیم مثل نشریات مدرسه با دوستانمان درد و دل کنیم.

ولی این جا هم مثل آن جا آدم‌های خوب هستند. دل تنگی هست، کار هست، تلاش هست، خستگی هست، شادی هست، غم هست، و از همه مهم‌تر امید هست. به امید روزی که باز در کنار عزیزان بزرگواریم باشم. با احترام و آرزوی سربلندی و کامیابی برای همه شما عزیزان .

یاشار گنجعلی*

جناب آقای مظفر، وزیر محترم آموزش و پرورش

با عرض سلام و احترام

ما اعضای «شورای دانش آموزان فرزندان بندگان بندرعباس» به عنوان نماینده‌ای از سوی دانش آموزان این مرکز حضور شما را در استان محروم اما مستعد هرمزگان گرامی می‌داریم. ما معتقدیم طرح شوراهای دانش آموزان دولت که از سوی رئیس جمهور محترم «آقای خاتمی» ارائه شد و با جدیت از سوی وزارت آموزش و پرورش دنبال شده یکی از بهترین راه کارها برای مشارکت نوجوان در اداره امور مدارس است و می‌توان آن را گامی در جهت آماده سازی این قشر برای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آینده دانست.

به فرموده مقام معظم رهبری:

«مراکز استعداد‌های درخشان و دانش آموزان مستعد آن باید در اولویت قرار گیرند و به جبران

عقب ماندگی علمی کشور پردازند و این کار مسئولین علمی کشور را زیاد می‌کند.»

اما در استان هرمزگان این گونه نیست و متأسفانه در لیست آموزش و پرورش هرمزگان مرکز «فرزندان بندگان بندرعباس» در آخرین مراتب توجه قرار می‌گیرد و به تقاضاهای ضروری این آموزشگاه رسیدگی نمی‌شود. گویا اصلاً چنین مرکزی و چنین دانش آموزان مستعدی وجود ندارد. در صحبت با

*- یاشار گنجعلی فارغ التحصیل سال ۷۴ مرکز شهیدبهبشتی ارومیه- دانشجوی سابق دانشگاه صنعتی شریف و دانشجوی

فعلی دکترای کامپیوتر دانشگاه «واتر لوی» کانادا .

سازمان استعداد‌های درخشان گفته می‌شود «بخش نامه‌هایی ارسال شده اما ما می‌بینیم که اداره کل آموزش و پرورش این استان خود را ملزم به اجرای این بخش نامه‌های وزارتی در خصوص اولویت دادن به تأمین نیروی آموزشی این مرکز نمی‌داند و این در حالی است که دانش‌آموزان ما با موفقیت چشمگیر در زمینه‌های مختلف فرهنگی، علمی و اجتماعی روبرو هستند. ما به عنوان نیروی مستعدی که می‌تواند نقشی پررنگ در عرصه حیات آینده ایران داشته باشیم، تقاضای عاجزانه داریم که هم نسبت به توجه کردن به مرکز فرزندانگن دستور بفرمایید و هم گونه‌ای پاسخ ما را بدهید که ما اطمینان یابیم نامه ما به دست شما رسیده است.

«شورای دانش‌آموزی فرزندانگن بندر عباس»

۷۸ / ۸ / ۱۶

بسمه تعالی

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت جناب آقای دکتر اژه‌ای

من یکی از محصلان مدرسه شهید بهشتی کاشان هستم که از سال اول راهنمایی وارد این مرکز شدم، از همان سال اول که وارد این مرکز شدم، با یک سری جزوات تکمیلی که همین جزوات، برتری این مدرسه نسبت به مدرسه‌های عادی بشمار می‌رود، آشنا شدم. در سال دوم راهنمایی تعداد این جزوات بیشتر شد و حتی حجم علمی آنها نیز بالا رفت، به طوری که مطالب برخی از آنها مربوط به سالهای دبیرستان می‌شد. در سالهای سوم راهنمایی و اول دبیرستان تعداد آنها کمتر شد و حتی در دوره دبیرستان که از دوره‌های مهم تحصیلی بشمار می‌آید جزوات کمتر شد و به جزوه ریاضی و زبان منتهی شد حداقل در مرکز ما به جزوه زبان در دوره راهنمایی توجهی نشده که احتمالاً در دوره دبیرستان هم این گونه خواهد بود.

اگر هدف از درس خواندن و تحصیل در این مرکز رشد علمی و فکری محصل است، پس چرا ما را بیشتر با پیشرفتهای هر روزه در جهان علم آشنا نمی‌کنید؟ همان طور که من اطلاع دارم محتوای جزوات تکمیلی برای دانش‌آموزانی که بعد از ما وارد این مرکز شده‌اند هیچ تغییری نکرده است و همان مطالب قبلی در اینها هم چاپ شده است. با این روال احتمالاً جزوات ما نیز با جزوات سالهای قبل هیچ فرقی نداشته است. البته من با این مطلب مخالف نیستم که دانش‌آموز در مراکز استعداد‌های درخشان خود باید به دنبال تحقیق برود، ولی در جزوات تکمیلی هم باید سر فصل تحقیق داده شود. و

همچنین این جزوات با پیشرفت علم تغییر کرده و تکامل پیدا کند. در مرکز کاشان معلمان و بعضی از مسئولین مدرسه تحقیق را وسیله‌ای برای نمره گرفتن و بعضی کارهای دیگر می‌دانند و در سال قبل آنها اغلب می‌گفتند «هر کس تحقیق را تا فلان زمان تحویل ندهد ۵ نمره میان ترم را نخواهد گرفت» پس اگر جزوات تکمیلی سر فصل تحقیق داده شود دانش آموز یا بهتر بگوییم «محقق» با عنوان تحقیق بهتر آشنا می‌شود و برای تحقیق کردن بیشتر می‌کوشد. با تشکر از اینکه وقت خود را صرف خواندن نامه اینجانب کردید و با امید به اینکه اگر نظر من مورد تأیید باشد به آن عمل نماید.

با تشکر، دانش آموز کلاس اول دبیرستان

شهید بهشتی کاشان، علیرضا عدالتی

استعدادهای درخشان: یکبار در جواب عزیزی نوشته بودیم در دبیرستان، دست همکاران برای کتابهای کمک آموزشی باز است. برخی از آنها را هم با وجود چاپ از سوی نشر سمپاد، به صورت قطعی به عنوان کتاب کمک آموزشی اعلام نکرده‌ایم (مانند سه کتاب مبانی فیزیک، شیمی و زیست) ولی مراکز فعال در سال آخر راهنمایی و دبیرستان از این کتابها به عنوان منبع بسیار خوب برای کلیه دانش آموزان خود استفاده کرده‌اند در مورد تغییرات در جزوه‌های کمک‌درسی دو دلیل در عدم تغییر آنها وجود دارد. اول مبانی نسبتاً ثابت در این بحث‌ها، دوم انتظار برای تعیین تکلیف قطعی ساختار جدید مقاطع تحصیلی که انشاءالله در سال ۷۹ با تصویب مجلس شورای اسلامی وضع آن روشن خواهد شد.

بسمه تعالی

با عرض سلام خدمت جناب آقای دکتر اژه‌ای و تمامی دست‌اندرکاران مجله استعداد‌های درخشان.

من یکی از محصلین مرکز فرزنانگان هستم و مدت‌ها بود که دوست داشتم نامه‌ای برای مجله بفرستم و از تمامی زحماتشان سازمان تشکر کنم. چیزی که می‌خواستم در این نامه ذکر شود این است که ما در مراکز سمپاد تلاش خود را برای یادگیری هر چه بیشتر و کسب نمرات بهتر می‌کنیم و بارها پیش آمده است که واقعاً از نداشتن تنوع در درسها و همچنین ساعتهای فوق برنامه خسته شده‌ایم. اما هدف من از این گفته‌ها این نیست که از طرز برنامه‌ریزی سازمان ناراضی باشم بلکه می‌خواستم این مطلب را عنوان کنم که با وجود تحصیل در دبیرستان فرزنانگان فقط از یک جزوه تکمیلی ریاضی برخورداریم در صورتی که در این مراکز می‌بایست از آموزشهای بیشتری بهره می‌بردیم و با حذف کردن طرح

غنی‌سازی بر صحت این مطلب افزوده می‌گردد.

با منعکس کردن این نامه می‌خواهم نظر شما را در این مورد بدانم (حتی در چند جمله)

با تشکر

شیوا حبیبی - سال دوم دبیرستان

سنندج

استعداد‌های درخشان: در پاسخ آقای عدالتی از کاشان جواب شما عزیز آمده است.

بسمه تعالی

مدیریت محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان جناب آقای دکتر اژه‌ای

با سلام و احترام

بدینوسیله باستحضار میرساند که فرزند اینجانب در یکی از مدارس تیزهوشان اصفهان تحصیل می‌کند. آنچه مرا به عنوان یک پدر به نوشتن این نامه به جنابعالی واداشت همانا مطالعه نامه شکوائیه‌ای بود که در مجله سمپاد (تیر و شهریور ۷۸) درج گردیده و از طرف عده‌ای از والدین محترم دانش آموزان گیلانی تنظیم شده بود که فرزندان آنان در امتحانات ورودی سمپاد پذیرفته نشده بودند و به عنوان ریاست محترم جمهوری ارسال نموده بودند. طبیعتاً و براساس روال اداری، دفتر ریاست محترم جمهوری نیز نامه مذکور را جهت اظهار نظر و اخذ پاسخ لازم و از مجرای مربوطه به معاونت محترم آموزشی و پژوهشی سمپاد ارسال کرده بودند. تا اینجای کار مشکل خاصی وجود ندارد. اشکال کار از اینجا شروع میشود که متأسفانه در کشور ما برخلاف کشورهای مرقی و یا در حال رشد بسیاری از مدیران و به ویژه مدیران ارشد به ندرت در مقام پاسخگویی به مردم قرار می‌گیرند و وقتی هم بنابر شرایط در این مقام قرار می‌گیرند، پاسخ آنها معمولاً نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند که باعث بروز مسائل دیگری هم میشود. جوابیه معاونت محترم آموزشی و پژوهشی سمپاد را هر فرد متعهدی بخواند بی‌اختیار نگران سیستم آموزشی کشور می‌شود از نقطه نظر شخصی، یک مدیر با تجربه و موفق، مدیری است که بدون توجه به احساسات درونی خود و مسائل حاشیه‌ای در مقام پاسخگویی و روشنگری مردم برآید. در حالیکه این مسئول محترم ضمن پاسخ خود، نویسنده یا نویسندگان نامه را ضمن مجهول بودن، متهم به آدم‌های کم اطلاع مینماید که بنظر ایشان هدفشان از نوشتن نامه ایراد اتهام فراوان به خانواده‌های محترم شهدا جهت جبران «کم توانی» فرزندانشان بوده است!! (انگی که امروزه در کشور ما به عنوان برچسب بر مخالفین یا منتقدین چسبانده می‌شود) در حالیکه نویسندگان نامه در ضمن نامه خود اذعان

میکنند که قصد ایراد هیچگونه اتهامی را ندارند و احترام فراوانی بر این عزیزان و خانواده‌شان قائل هستند. واقعاً جای بسی تأسف است که در حالیکه سالیانه از بین نزدیک به ۱/۵ میلیون داوطلب ورود به دانشگاه‌های کشور تنها درصد ناچیزی از آنان به دلیل رقابت شدید و نفس‌گیر و کمبود امکانات برای ادامه تحصیل، وارد دانشگاه می‌شوند، مثلاً بیائیم و حکم دهیم که دلیل عدم پذیرش بقیه داوطلبان «کم توانی» یا «ناتوانی» آنان بوده است!

کدامین تحقیق و بررسی ثابت نموده است که علت ناکامی هر ساله بیش از یک میلیون جوان راه نیافته به دانشگاه صرفاً «ناتوانی» یا «کم توانی» خود افراد بوده است؟ این مسئول محترم حتماً مستحضر هستند که تمامی دانش‌آموزان که جهت شرکت در آزمون‌های مرحله اول مدارس استعداد‌های درخشان معرفی می‌گردند از بین بهترین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و راهنمایی گزینش می‌گردند لیکن به دلیل کمبود امکانات تحصیل برای شکوفا نمودن استعداد‌های آنان، فقط تعداد بسیار معدودی از آنان به این مدارس راه می‌یابند (در تهران بعضاً از هر صد دانش‌آموز یک نفر!). آیا این بینش صحیح است که اعلام کنیم بقیه این دانش‌آموزان راه نیافته به سمپاد ناتوان یا کم توان بوده‌اند؟ و آیا این پاسخ نامعقول نگرانی این فرزندان و والدین آنها را بیشتر نمی‌کند؟

اگر این مسئول محترم بجای کندوکاو در متن نامه برای گریز زدن به صحرای کربلا، خیلی مؤدبانه و در شأن یک مدیر لایق و با تجربه، و با حوصله لازم، جوابیه‌ای منطقی تر و در خور والدین نگران تهیه می‌نمود و ضمن دلجوئی کردن از آنان راهنمایی‌های مؤثرتری ارائه می‌نمود خوشایندتر نمی‌بود؟ و مؤثرتر واقع نمی‌شد؟

با آرزوی موفقیت برای جنابعالی و کلیه همکاران محترمان در سمپاد
جمشید عرفانی ۷۸/۷/۲۰

استعداد‌های درخشان: جناب آقای عرفانی، نظام جمهوری اسلامی ایران هر جا سهمیه‌ای به افرادی به هر اساس بدهد رسماً اعلام می‌کند. جنابعالی ولی دانش‌آموز سمپاد هستید و راحت هم امضایتان را در پای نامه خود مرقوم فرموده‌اید در حالیکه اولیاء آن مکتوب متأسفانه اسامی خود را ننوشته بودند تا کارنامه عزیزانشان را برایشان ارسال داریم اما این که ذهنیت آنها را می‌زا از پیشداوری دانسته‌اید قسمتی از نامه را مجدداً نقل می‌کنیم:

«چرا این سازمان در استان گیلان در حق نونهالان جامعه با «دخالت نابجا» و «اعمال نفوذ» برخی از ارگانها، ظلم نموده و اسامی بعضی از قبولشدگان را به دلایل زیر حذف می‌نماید:

۱- سهمیه نبودن دانش آموزان (خانواده شهید و جانباز و ...)

۲- منطقه بندی نمودن مدارس

۳- بررسی خانواده دانش آموز از طرف حراست.

چرا با چنین حق کثی‌ها تیشه به ریشه این ملت و مملکت می‌زنید. کاش بودید و می‌دیدید که این عزیزان مطمئن به خود چگونه مأیوس و دل‌سرد شدند و قلب کوچکشان از «ظلم» نا بجا شکست و ... کاش همانند شما که برایمان نامه نوشته‌اید آن عزیزان که کارنامه فرزندانشان موجود است با دریافت کارنامه ملاحظه می‌کردند که امتیاز آخرین پذیرفته شده چه بوده تا با امتیاز کسب شده فرزندشان مقایسه می‌نمودند. ما در مواردی که ولی دانش آموز به پاسخ خوانده شده توسط رایانه اعتماد نکند و اعلام نماید پاس‌نامه فرزندم را دستی هم تصحیح کنید باز چنین می‌کنیم. چون «سمپاد» جستجوگر استعداد است و ما دقیقاً معتقدیم چه توسط اولیا یا شیوه‌های نامعقول امکان راهیابی به مدارس، صورت پذیرد و خواه ما چنین خطایی را مرتکب شویم. بعد از مدت کوتاهی این دانش آموز است که مجبور می‌شود مدرسه سمپاد را ترک کند.

با وجود این تعجب کردیم که چرا افراد متعددی چون شما براساس مکتوب خودتان از جوابیه

معاون آموزشی سمپاد مبنی براینکه:

«عدم‌گزینش دانش آموز برای مراکز این سازمان هیچ ربطی به خانواده دانش آموز اعم از خانواده‌های مکرم شهدا و جانبازان یا دیگر خانواده‌ها ندارد و نمونه آنهم ترکیب اولیا است که از طیف طبیعی هر شهر تشکیل می‌شود».

بی اختیار نگران سیستم آموزشی کشور می‌شوند. آیا در بخش نقل شده از اولیا ابهام دیده

نمی‌شود و آیا این عبارت در پاسخ آنها مسأله حاشیه‌ای است؟ در حالیکه فرزندانشان با «اعمال نفوذ» حذف شده‌اند؟.

به نام خدای مهربانها

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان

جناب آقای دکتر اژه‌ای

با سلام،

من فرزند یکی از دبیران مدارس شما می‌باشم که در یکی از مدارس دولتی شهر «....» تحصیل

می‌کنم و با این که توانسته‌ام حد نصاب معدل دانش آموز ممتاز را بدست آورم ولی به علت این که پدرم دبیر سازمان است از این که من را جزء دانش آموزان ممتاز فرهنگی انتخاب کنند محروم کرده‌اند، تعجب می‌کنم با اینکه رئیس هیأت امناء سازمان، وزیر آموزش و پرورش می‌باشند چرا دبیران مراکز سازمان با این شکل زنده از سوی این بخشنامه که حتی به خاطر عجله روی آن مهر «بدلیل فوریت بدون طرح در کمیته مستند سازی ارسال گردید» زده شده، مورد اهانت قرار می‌گیرند. پدرم می‌گوید در بخشنامه‌های وزارتخانه در تأمین نیروی انسانی برای مراکز سازمان فقط به مدارس شاهد و نمونه دولتی اولویت داده شده است. اگر خواستید این نامه و بخشنامه پیوست را در مجله چاپ کنید. با تشکر - فاطمه ش.

شماره: ۳/۱۰۲/۳۸۸۹۲	بسمه تعالی
تاریخ: ۱۳۷۸/۷/۱۳	مدیر محترم آموزشگاه
پیوست:	
با اهداء سلام	
احتراماً در مورد شیوه انتخاب دانش آموزان ممتاز فرهنگی به اطلاع میرساند فقط دانش آموزانی که والدین آنها در آموزش و پرورش خدمت می‌کنند و با حکم کارگزینی از آموزش و پرورش حقوق دریافت می‌کنند ممتاز فرهنگی محسوب می‌شوند لذا از ارسال اسامی دانش آموزانی که والدین آنها در سایر ادارات مانند سازمان استعداد‌های درخشان، نهضت سوادآموزی، غیرانتفاعی و ... مشغول بکار میباشند خودداری نمائید.	
مسئول اداره آموزش و پرورش ناحیه	
رونوشت:	
- دفتر ریاست و معاونین محترم جهت استحضار	
- روابط عمومی	

با نام خداوند مهربان نامه‌ام را آغاز می‌کنم.

و شکر می‌گویم خداوند مهربان را که استعداد در وجودمان نهاد، به ما شناخت داد و آموخت که

کدام سو راه اوست. او که با توجه او ما زندگی می‌کنیم و در هر مشکلی دست به دامان پرمهر و برکت او می‌آویزیم.

این نامه را نه تنها برای دوست خویم که چندی پیش نامه‌اش را در مجله * خواندم، بلکه برای تمام دوستانی می‌نویسم که با کمبود امکانات درس می‌خوانند. نه فقط دانش‌آموزان سمپاد بلکه تمام دانش‌آموزان ایران اسلامیمان.

به یاد بیاوریم کسانی را که در دوران جنگ و آشوب درس خوانده‌اند و اینکه به مدارج بالای علمی رسیده‌اند. آن روزها در هیاهوی جنگ خیلی‌ها با حداقل امکانات و بدترین وضع درس می‌خواندند و حال آبروی ایران زمین مدیون همت والای آنهاست. نسل دیروز سختی‌هایی کشیدند که ما امروز حتی طعم تلخ آنها را مزه مزه هم نکرده‌ایم اما استوار ایستادند تا ایران بماند و ما باید از چنین کسانی درس شهامت و بردباری بیاموزیم. آیا آنها توانستند، اینگونه راه را بپیمایند و موفق شوند اما ما نمی‌توانیم؟ ما اگر مدرسه مخصوص و سایت کامپیوتر و ... نداریم معلم‌هایی داریم که هم خوب درس می‌دهند و هم روش کارشان را طوری با امکانات ما تطبیق می‌دهند که ما کمبودی احساس نمی‌کنیم. امکانات اگر چه شرط است اما اصل و همه چیز نیست. چیز اصلی آن است که خداوند در وجود ما به ودیعت نهاده است و با آنها مشکلات ابزار دست ما هستند برای رسیدن به والاترین هدف.

در پایان از شما یکایک مسئولان سمپاد تشکر می‌کنم که به قول خودتان با این همه دنگ و فنگ می‌سازید و علاوه بر تمام مشکلات هنوز عزم راسختان ستودنی است. و بخصوص از مدیر محترممان خانم کاشانی که اینچنین صبورانه تمام سختیها را تحمل می‌کنند و مدرسه بر ستونهای اراده ایشان استوار است.

به امید آینده‌ای که خورشیدهای خدادادیمان فردایی زیباتر رقم زنند.

نرگس نیکوفرد

دانش‌آموز سال اول دبیرستان فرزندگان کاشان

۲۲ مهرماه ۱۳۷۸

خارج از موضوع - یک نامه تلفنی

(نمونه‌ای یا مستی از خروار)

- الو، مدرسه تیزهوشان، سلام، من مادر یک دانش آموز پایه پنجم دبستان هستم. یک پیشنهاد داشتم اگر بپذیرید به نفع همه است این پیشنهاد هم این است که در صورت امکان، شما بیاید پول کلاسهای آمادگی برای کنکور ورودیتان را خودتان بگیرید.

- ببخشید شوهر شما چکاره هستند؟

- شغلشان؟

- بعله !

- شوهر من مرغداری دارند. ما وقتی دان مرغ و دارو و امثال اینها کم می‌آوریم و دچار مشکل می‌شویم با پرداخت پول مشکلمان را حل می‌کنیم. حالا با ایشان مشورت کردم خودشان اعلام آمادگی کردند چند برابر پول کلاس آمادگی را به شما بدهیم، نگران فرزندمان هم نباشیم. حالا شما فکر می‌کنید این پیشنهاد بد است؟

- متأسفانه پیشنهاد جالبی نیست. مراکز سازمان هم مرغداری نیستند، بهتر است از همان کلاسها، استفاده کنید.

- ببینید با این کمبودها، دارید خودتان با دست خودتان یک امکان را از دست می‌دهید. عاقلانه فکر کنید.

- اگر می‌خواستیم عاقلانه فکر کنیم می‌رفتیم یک جای دیگر حتی از آموزش و پرورش به اینجا نمی‌آمدیم. در ضمن خودمان هم می‌دانیم که اگر فرزندتان «استعداد» نداشته باشد انشاءالله قبول نمی‌شود. اگر هم «استعداد» داشته باشد فقط یک عده‌ای پول مفتی نصیبشان شده و شما هم پول خود را حرام کرده‌اید.

- حیف شد.

- ؟ !

نامه‌ها و نوشته‌های شما دریافت شد، برخی از سئوالات طرح شده در نامه‌ها که جنبه عام داشته است را در بخش «پرسشهای شما» پاسخ گفته‌ایم:

❑ ارومیه ، مرکز شهید بهشتی: رضا و محمد پرهیزکار ❑ اصفهان ، مرکز شهید شهید ازه‌ای: دانش آموز ف. الف.
❑ بروجرد ، مرکز شهید بهشتی: احسان تقی پور ، اسماعیل عبدی ❑ تبریز: فاطمه نیکنامی ، فاضله غفاری از «فرزندگان
فرزندگان» ❑ خرم‌آباد : امیر فتاح ، دانش آموز مرکز شهید بهشتی ❑ زاهدان : دانش آموز دبیرستان شهید بهشتی ❑ تهران : فرزندی
از فرزندان ایران ❑ شاهرود ، مرکز فرزندگان: راضیه واعطی ❑ شیراز ، مرکز راهنمایی شهید دستغیب و فرزندگان:
مهدیه و محمدجواد باقی ❑ شهری ، مرکز شهید بهشتی: محمود میرزایی ❑ شهر کرد ، مرکز فرزندگان: دانش آموز مرکز
❑ کرمان : جمعی از دانش آموزان دبیرستان علامه حلی ❑ مشهد ، مرکز فرزندگان: جمعی از فارغ‌التحصیلان رشته ریاضی /
همینطور جمعی از دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی دانش‌آموخته فرزندگان / داود محمدمین ❑ همدان : جمعی از دانش‌آموزان
دبیرستان فرزندگان / یکی از اولیاء داوطلبان کنکور ورود به دبیرستان .